

# عدالت بین نسلی در استفاده از محیط زیست از نگاه آیات و

## روایات

اشکان نعیمی\*

استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>(۱)</sup>، تهران، ایران

حمیدرضا قاسمی\*\*

کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۹)

### چکیده

امروزه چگونگی استفاده از محیط زیست به یکی از مهم ترین از مسائل مورد توجه بشر تبدیل شده است، تخریب و استفاده بی رویه از آن نگرانی جدی ای نسبت به آینده بشر برای صاحب نظران به وجود آورده است، از این رو ضرورت دارد تا این موضوع را از منظر آیات و روایات و دلیل عقل مورد بررسی قرار دهیم تا مبانی فقهی این مسئله تبیین گردد. با مراجعه به آیات و روایات و ادله عقلی می توان حق بهره مندی همه بشر از محیط زیست سالم را استنباط کرد و در نتیجه آحاد بشر را مکلف به رعایت حق سایرین در استفاده از محیط زیست دانست و از این رو تصرفات تخریب گر نسبت به آن را از نظر شرعی ممنوع دانست، از این بحث تحت عنوان عدالت بین نسلی در استفاده از محیط زیست یاد می شود، زیرا تجاوز به حق آحاد بشر نسبت به محیط زیست نوعی تضییع حق و ظلم نسبت به ایشان به حساب می آید.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت بین نسلی، محیط زیست.

---

\* E-mail ashkan.naeimi@gmail.com (نویسنده مسئول)

\*\* E-mail: hrq77@iran.ir

## مقدمه

داشتن محیط زیست سالم از مهم‌ترین نعمات الهی است که به انسان اعطاء شده است. انسان در باب محیط زیست دوره‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. در گذشته، انسان از طبیعت وحشت داشت و این ترس سبب به وجود آمدن بسیاری خرافات در این زمینه بود، اما به تدریج با گسترش علوم و فنون مختلف، راه استفاده از طبیعت را فراگرفت و پس از مدتی توانست آن را مهار کند که از این رهگذر، خدمات بسیاری نسبت به بشریت صورت گرفت؛ مانند احداث سدها و استفاده از انرژی آب، استفاده از مراتع، جنگل‌ها و... اما این استفاده همواره محدود بود، تا زمانی که انقلاب صنعتی اتفاق افتاد، پیشرفت علوم و فنون سرعتی چند برابر پیدا کرد و به موازات آن، صنایع رشد چشمگیری را به دنبال داشت. به نظر می‌رسد در آن دوره تصور می‌شد که طبیعت همواره آماده استفاده انسان است. به همین سبب، استفاده بی‌مبایبی از طبیعت صورت گرفت؛ جنگل‌ها تخریب شدند، دریاها و آب‌های سطحی و زیرزمینی آلوده گشتند، هوا آلوده شد و لایه اُزن تخریب شد و به تبع این اتفاقات، گیاهان و جانوران نیز آسیب‌های جدی دیدند. تمام این اتفاقات در کنار افزایش جمعیت جهان، سبب شد که امروزه با بحران محیط زیست مواجه باشیم.

امروزه اندیشمندان در قبال محیط زیست و چگونگی استفاده از آن، نظرات متفاوتی ابراز کرده‌اند که طیف گسترده‌ای از نظرات را شامل می‌شود. در میان این نظرات، از حداکثر استفاده ممکن از محیط زیست تا حفاظت کامل با حداقل بهره‌برداری از منابع آن یافت می‌شود. از طرف دیگر، چگونگی استفاده ما از محیط زیست، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم عدالت بین‌نسلی خواهد داشت؛ زیرا این مفهوم ناظر به روابط میان دو نسل و برقراری عدالت میان ایشان است. در این نوشتار، برآنیم که این موضوع را از دیدگاه اسلامی بررسی می‌کنیم.

از آنجا که مفهوم عدالت «اعطای حق به ذی‌حق» است، برای دریافت مصداق عدالت، تبیین حق مصداق ضروری است. لذا با این رویکرد به سراغ منابع احکام رفته‌ایم. برای این کار،

ابتدا این موضوع را در قرآن و احادیث بررسی می‌کنیم و آنگاه به بررسی حکم عقل در این زمینه خواهیم پرداخت.

### نوشتار اول: در قرآن

با بررسی آیات قرآن درمی‌یابیم که آیات متعددی به موضوع عدالت بین نسلی در استفاده از محیط زیست مرتبط است که می‌توان آن‌ها را در هشت دسته تقسیم‌بندی کرد.

دسته اول: آیاتی که خلقت دنیا و آنچه را در آن است، برای همه بشر می‌داند

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا: اوست خدایی که همه آنچه در زمین است، برای شما آفرید...﴾ (البقره/۲۹).

این آیه شریفه از مهم‌ترین آیات مرتبط با موضوع ماست<sup>۱</sup>. دلالت این آیه، نیازمند توضیحاتی است به شرح ذیل:

اولاً تعبیر «ما فی الأرض» افاده معنای عموم می‌کند و شامل هر چیزی می‌شود که روی زمین یا در درون آن و یا در جو زمین است<sup>۲</sup> (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۶۹). ثانیاً تعبیر «ل» افاده اختصاص و انتفاع می‌کند و به بشر حق می‌دهد از زمین و مافیها استفاده کند. لذا فقها اصالة الإباحة را از این آیه استنباط کرده‌اند (ر.ک؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۲۹۸). ثالثاً ضمیر «کم» در این آیه ناظر به همه بشر است و اختصاص به بشر در دوره خاصی ندارد. بنابراین، برای بشر در نسل‌های آتی نیز ایجاد حق می‌کند. با اثبات حق برای نسل‌های بعدی، ما مکلف به رعایت این حق می‌شویم و باید از هر کاری که این حق را تضییع کند، پرهیز کنیم و این معنایی جز وجوب حفاظت از محیط زیست ندارد. اما دلیل اینکه می‌گوییم ضمیر «کم» به بشر در دوره خاصی اختصاص ندارد، این است که قضایای شرعی به صورت قضیه حقیقه وضع می‌شوند (ر.ک؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۷۳). قضایای حقیقه، قضایایی هستند که در آن‌ها حکم به افرادی مفروض الوجود با وصفی مشخص تعلق گرفته‌است؛ یعنی هم شامل افرادی می‌شود که آن وصف را دارند و در زمان صدور حکم وجود دارند و هم شامل کسان دیگری

می شود که بعداً به وجود می آیند و واجد آن وصف خواهند بود، برخلاف قضیه خارجی که حکم، فقط ناظر به کسانی است که در زمان صدور حکم وجود دارند (ر.ک؛ همان: ۱۷۰ به بعد).

### دسته دوم: آیاتی که مبین حق تمام بشر نسبت به نعمت آب است

خداوند می فرماید: ﴿...أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ...﴾ ... خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن میوه ها را به عنوان روزی شما [از دل زمین] بیرون آورد... ﴿(البقرة/۲۲)﴾. در جای دیگر هم می فرماید: ﴿...أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ...﴾ برای شما آبی از آسمان فرستاد و به وسیله آن باغ هایی زیبا رو بیاوردیم... ﴿(النمل/۶۰)﴾. در سوره نحل نیز می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ﴾ اوست خدایی که آب را از آسمان فرو فرستاد که نوشیدنی شما از آن است... ﴿(النحل/۱۰)﴾. در سوره جاثیه نیز می فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَتَجْرَى الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ خداوند دریا را در اختیار شما قرار داد تا کشتی [ها] به فرمان او در دریا حرکت کند و تا شما از فضل خدا بهره مند شوید... ﴿(الجاثية/۱۲)﴾. همچنین، می فرماید: ﴿سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ...﴾ ... خداوند رودها را در اختیار شما قرار داد ﴿(ابراهيم/۳۲)﴾.

این آیات خلقت آب را به صورت باران، دریاها و رودخانه ها برای انتفاع انسان ها می داند و بیان می کند که غایت تسخیر آب، استفاده بشر است و چنان که قبلاً گفته شد، این آیات به صورت قضیه حقیقه بیان شده اند و برای همه بشر در تمام نسل ها ایجاد حق می نماید و وظیفه ما در قبال حق نسل های آینده نسبت به نعمت حیاتی آب این است که در مصرف آن صرفه جویی کنیم و از آلوده کردن آن پرهیز نماییم تا حق نسل های آتی را تضییع نکرده باشیم. در سوره ملک، تعبیر لطیفی وجود دارد. خداوند در این سوره می فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ [ای پیامبر!] بگو اگر آب که مایه حیات شماست، در زمین فرو رود، چه کسی آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار می دهد؟! ﴿(الملك/۳۰)﴾.

### دسته سوم: آیاتی که مبین حق تمام بشر نسبت به نعمت خاک است

خداوند در آیات متعددی از قرآن، زمین را با برکتی که در آن است، یاد می‌کند؛ از جمله می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا... فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ...﴾: خدایی که زمین را برای شما گستراند... و میوه‌ها را به عنوان روزی شما از دل خاک بیرون آورد... ﴿البقرة/۲۲﴾.

در معنای «فرش» گفته می‌شود که به معنای «بستر» است و مقصود از آن، گستراندن بساط و فراهم کردن شرایط است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق.، ج ۴: ۴۸۶) که اهمیت زمین، خاک و نقش سازنده آن را در زندگی بشر می‌رساند. در آیات دیگری نیز زمین با تعابیر «مهداً»<sup>۳</sup>، «مهداً»<sup>۴</sup> و «بساطاً»<sup>۵</sup> یاد شده که همه این تعابیر، مؤید همین معناست. همچنین، در آیه ۱۰ سوره الرحمن می‌فرماید: ﴿وَالْأَرْضُ وَصَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾: خداوند زمین را برای مردمان قرار داد. این آیات و ده‌ها آیه دیگر<sup>۶</sup> به ضمیمه قاعده «جعل قضایای شرعی به صورت قضیه حقیقه»، بیانگر حق تمام مردمان در همه نسل‌های بشر نسبت به نعمت زمین و خاک است.

### دسته چهارم: آیاتی که مبین حق همه بشر نسبت به استفاده از حیوانات است

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾: خدایی که چهارپایان را برای شما قرار داد تا بر برخی از آنها سوار شوید و از برخی دیگر بخورید ﴿غافر / ۷۹﴾. همچنین، می‌فرماید: ﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾: چهارپایان را برای شما خلق کرد، وسیله پوشش و منفعت‌هایی برای شما در آنهاست و از آنها می‌خورید ﴿النحل / ۵﴾. در بیان حکم تشریحی خوردن نیز می‌فرماید: ﴿...أُحِلَّتْ لَكُمْ بِهِمَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ...﴾ [گوشت] چهارپایان جز در مواردی که برایتان گفته شده برای شما حلال است... ﴿المائدة / ۱﴾. در مورد حیوانات دریایی نیز می‌فرماید: ﴿أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ﴾: صید دریا برای شما حلال شده است... ﴿المائدة / ۹۶﴾.

این آیات از طرفی استفاده از حیوانات را حق همه انسان‌ها می‌داند و از طرف دیگر، به صورت التزامی دلالت بر حفظ محیط زندگی حیوانات دارد. آب و دریا باید سالم باشد تا حیوانات دریایی سالم و قابل استفاده برای انسان باشند و یا زمین، خاک و گیاهان رویدنی از آن باید سالم باشند تا حیوانات از تغذیه سالمی بهره ببرند و برای انسان قابل استفاده باشند.

### دسته پنجم: آیاتی که بیانگر حق تمام بشر نسبت به بهره‌مندی از گیاهان است

بشر حق دارد از گیاهان روی زمین بهره‌مند باشد. قرآن کریم در سوره انعام، در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا...: اوست خدایی که آبی از آسمان نازل کرد و به وسیله آن هر گونه گیاهی را رویانیدیم و از آن، شاخه‌های سرسبز بیرون آوردیم...﴾ (الأنعام/۹۹). همچنین، می‌فرماید: ﴿يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ...: به وسیله آب برای شما، زراعت، زیتون، نخل، انگور و از همه میوه‌ها می‌رویاند...﴾ (النحل/۱۱). در سوره نمل نیز می‌فرماید: ﴿فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا...: به وسیله آب بوستان‌هایی جذاب رویانیدیم. در توان شما انسان‌ها نیست که چنین درختانی برویانید...﴾ (النمل / ۶۰). این آیه شریفه اشاره دارد به آنکه با از بین رفتن گیاهان، امکان ایجاد مجدد آن‌ها در توان بشر نیست.

### دسته ششم: آیاتی که به آباد کردن زمین امر می‌کند

خداوند در آیه ۶۱ سوره هود می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...: اوست خدایی که شما را از زمین آفرید و آباد کردن زمین را به شما واگذار کرد...﴾. «عمارت» به معنای تغییر زمین به گونه‌ای است که بتوان از فواید آن بهره‌مند شد و تعبیر «استعمر» به معنای طلب عمارت و آباد کردن زمین از دیگری است که زمین را به گونه‌ای درآورد که قابلیت بهره‌مندی از آن فراهم باشد. بنابراین، مقصود آیه این است که خداوند فطرت انسان را بر قابلیت استفاده و بهره‌برداری از زمین آفریده تا او بتواند از این طریق، نیازها و حوایج خویش را برآورده سازد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۳۱۰).

مطابق این آیه شریفه، انسان مأمور به آبادانی زمین است و هر اقدامی که موجب تخریب (ضد «عمارت»، «تخریب» است: ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.: ۵۸۶) محیط زیست شود، در راستای نقض غرض الهی صورت می‌گیرد.

### دسته هفتم: آیاتی که از تغییر دادن خلقت خدا نهی می‌کند

خداوند در سوره نساء می‌فرماید: ﴿وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّينَهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَبْتَئِنَّا آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَبْتَئِنَّا خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا: گمراهشان می‌کنم و آرزومندشان می‌سازم و ایشان را وادار می‌کنم که گوش چهارپایان را بشکافند و ایشان را وامی‌دارم که خلقت خدا را تغییر دهند و هر کس شیطان را به جای خدا، ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است﴾ (النساء/۱۱۹).

این آیه به یکی از سنن جاهلی اشاره دارد که گوش برخی چهارپایان را به عنوان احترام شکاف می‌دادند و یا قطع می‌کردند تا دیگر کسی آن حیوان را ذبح یا قربانی نکند (ر.ک؛ جوادی آملی، بی‌تا، الف، ج ۲۰: ۴۹۵) و در واقع، آن را تحریم می‌کردند که از مصادیق بدعت و تشریح محرم بود. بنابراین، تغییر خلقت خدا در این آیه، یا به معنای تغییر در بدن حیوانات است که مشرکان انجام می‌دادند و یا تغییر در فطرت انسانی است که با انجام گناهان موجب ضعیف شدن نور فطرت می‌شود (ر.ک؛ همان: ۵۰۰-۵۰۲) و یا قدر مشترکی از این دو است.

با این تفسیر، می‌توان گفت آن دسته از تغییراتی که در محیط زیست انجام می‌شود، با توجه به اینکه مجوز شرعی مؤید آن نیست، مورد نهی قرآن کریم است (ر.ک؛ همان: ۵۰۲) و به دنبال آن می‌توان گفت که تغییر خلقت الهی مصداق توکی شیطان است و نتیجه‌ای جز خسران و محرومیت در پی نخواهد داشت.

### دسته هشتم: آیاتی که از فساد کردن نهی می کند

در قرآن مجید، آیات متعددی وجود دارد که انسان را از فساد کردن در زمین نهی می کند؛ مانند آیه ۵۶ سوره اعراف که می فرماید: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...﴾ در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید... ﴿﴾. همچنین، می فرماید: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾: از روزی خدا بخورید و بیاشامید و در زمین به فساد پردازید ﴿﴾ (البقرة/۶۰). در این آیه شریفه، خداوند به انسان‌ها اجازه می دهد که از نعمات الهی بهره مند شوند، اما آن‌ها حق ندارند به بهانه بهره‌مندی خویش به افساد در زمین پردازند. آیه ۷۷ سوره قصص نیز مؤید همین معناست، آنجا که می گوید: ﴿وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾: بهره‌ات را از زندگی دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو احسان کرده، به دیگران احسان کن و در زمین به دنبال فساد نباش؛ زیرا خداوند مفسدان را دوست ندارد ﴿﴾. مقصود از «افساد» نیز خروج هر چیزی از حد اعتدال است و در مقابل «اصلاح» قرار می گیرد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، همان: ۶۳۶).

خداوند در سوره روم نیز می فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾: فساد در خشکی و دریا به سبب عمل انسان‌ها آشکار شد تا خداوند اثر برخی از کارهای ایشان را به آن‌ها بچشاند! شاید از این شیوه بازگردند ﴿﴾ (الروم/۴۱). مقصود از فساد در اینجا، هر چیزی است که نظام جاری زمین را از بین می برد؛ چه مستند به عمل انسان‌ها باشد و چه اینچنین نباشد؛ به عبارتی، فساد شامل هر پدیده‌ای است که در زندگی مطلوب آدمی اختلال ایجاد کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۹۵-۱۹۶).

می توان ادعا کرد که قرآن قاعده‌ای کلی با عنوان قاعده «حرمت از بین بردن حرث و نسل»، به دست ما می دهد که در بسیاری از امور روشنگر است. خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾: هنگامی که قدرتی می یابد، تلاش می کند که در زمین به فساد پردازد و زراعت‌ها و نسل‌ها را نابود کند، در حالی که خداوند تبهکاری و فساد را دوست ندارد ﴿﴾ (البقرة/۲۰۵).



صرف نظر از معنای صدر آیه و شأن نزولی که برای آن ذکر شده، ذیل آیه از بین بردن حرث (زراعت و کشتزار) و نسل (چه نسل حیوانی و چه نسل انسانی) را مذمت کرده است و از مصادیق فساد ذکر می کند. آیه شریفه در قاعده سازی برای چگونگی استفاده از محیط زیست، دلالت روشنی دارد.

### نوشتار دوم: در روایات معصومین<sup>(ع)</sup>

در این نوشتار، به سراغ روایات معصومین<sup>(ع)</sup> می رویم تا موضوع چگونگی استفاده از محیط زیست را در آن ها بررسی نماییم که این روایات را در نه طایفه دسته بندی کرده ایم.

#### طایفه اول: روایاتی که اهمیت هوای پاک را در زندگی انسان مطرح می کند

امام کاظم<sup>(ع)</sup> می فرماید: «طبیعت جسم بر چهار پایه استوار شده است. یکی از آن ها، هواست که آدمی بدون آن زنده نمی ماند و بیماری ها و عفونت های درون بدن را بیرون می آورد...»<sup>۸</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۳۰).

امام صادق<sup>(ع)</sup> می فرماید: «... زندگی دلپذیر نیست، مگر با سه چیز: هوای پاک، آب گوارای بسیار و زمین هموار...»<sup>۹</sup> (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۲۰).

همچنین، ایشان در حدیث معروف مفضل می فرماید: «در نزول باران مصالح بسیاری است؛ از جمله اینکه بدن ها را نرم و مرطوب می کند و آلودگی هوا را نیز از بین می برد و میکروب های پدید آمده در آن را می برد...»<sup>۱۰</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۱۲۶).

همچنین، می فرماید: «اگر ابر در آسمان نباشد، زمین خشک می شود و گیاهان می سوزند و آب چشمه ها در زمین فرومی رود و این ها به مردم ضرر می رساند و خشکی غالب بر هوا، گونه هایی از بیماری را ایجاد می کند...»<sup>۱۱</sup> (همان: ۱۲۵).

در جای دیگر از همین حدیث می فرماید: «اگر هوا به صورت گسترده و فراوان وجود نداشت، مردم از دودها و بخارهای معلق در آن خفه می شدند...»<sup>۱۲</sup> (همان: ۱۲۳).

در این روایت، امام<sup>(ع)</sup> نقش حیاتی هوای پاک را برای بشر گوشزد می‌کند. بنابراین، نباید با آلوده کردن هوا، حق نسل‌های آتی را نسبت به این نعمت حیاتی تضییع کرد.

### طایفه دوم: روایاتی که آب و مراتع را از مشترکات عمومی می‌دانند

راوی می‌گوید: «از امام کاظم<sup>(ع)</sup> راجع به آب بادیه سؤال کردم. حضرت فرمود: همه مسلمانان در آب و مراتع شریک هستند»<sup>۱۳</sup> (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵: ۴۱۷).

در روایتی از رسول خدا<sup>(ص)</sup> نیز نقل شده که ایشان از فروش آب و مرتع نهی کردند<sup>۱۴</sup> (نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۰).

البته باید دقت داشت که مقصود از آب‌ها و مراتعی که در این روایت از فروش آن نهی شده است، آب و مراتع عمومی است، اما مواردی که مالک شخصی دارد، مشمول این نهی نیست (ر.ک؛ همان: ۲۰-۲۱).

در روایتی دیگر نیز آمده که پیامبر<sup>(ص)</sup> میان اهل بادیه چنین حکم کرد که نباید پس از بهره گرفتن از آب، جلوی مازاد آن را بگیرند. همچنین، درباره مراتع هم نباید پس از استفاده، از بهره‌مندی دیگران ممانعت به عمل آورند. سپس حضرت تعبیر «لأضرر و لأضرار» را به کار بردند؛ یعنی کسی نمی‌تواند که بهره‌مندی خود را از مشترکات عمومی زمینه‌اضرار به دیگران قرار دهد<sup>۱۵</sup> (ر.ک؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵: ۴۲۰).

از این روایات به ضمیمه قاعده «جعل قضایای شرعی به صورت قضیه حقیقه» نتیجه می‌شود که همه افراد، حتی نسل‌های آینده، در این مشترکات عمومی سهم هستند و از تحلیل حضرت به «لأضرر» نیز می‌توان چنین عمومیتی را نسبت به زمان‌های آینده استنباط کرد.

## طایفه سوم: روایاتی که در حوزه منابع طبیعی، از اعمالی که منجر به تضرر دیگران شود، منع می‌کند

امام صادق<sup>(ع)</sup> درباره فردی که قناتی را در کوهی حفر کرد و از آب آن به مدت یک سال بهره می‌برد، سپس فرد دیگری در همان کوه قناتی حفر کرد که سبب شد آب قنات اول از بین برود، فرمود باید بررسی شود که کدام قنات به دیگری آسیب رسانده است. اگر قنات دومی موجب از بین رفتن آب قنات اول شده باشد، باید قنات دوم پُر شود و قضاوت رسول خدا<sup>(ص)</sup> چنین بوده است و اگر قنات اول، آب قنات دوم را از بین ببرد، صاحب قنات دومی نسبت به صاحب قنات اول حقی ندارد<sup>۱۶</sup> (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۱۰۲).

مطابق این روایت، بسیاری از موارد توسعه شهری مورد اشکال قرار می‌گیرد؛ زیرا باعث از بین رفتن حقوق ساکنان قدیمی آن می‌شود. با این حال، ملاکی که روایت به دست ما می‌دهد، این است که نباید استفاده از منابع طبیعی موجب تضرر به دیگران شود، از این ملاک برای موارد بین نسلی نیز می‌توان بهره گرفت.

## طایفه چهارم: روایاتی که نسبت به کشت و زرع و درختکاری توصیه می‌کنند

راوی می‌گوید فردی از امام صادق<sup>(ع)</sup> سؤال کرد عده‌ای می‌گویند زراعت مکروه است. حضرت فرمود: «زراعت کنید و درخت بکارید. به خدا سوگند! زراعت مکروه نیست. مردم عملی حلال‌تر و پاک‌تر از زراعت و درختکاری انجام ندادند. به خدا سوگند! حتی بعد از خروج دجال (در سخت‌ترین شرایط) نیز مردم به کشت و زرع و درختکاری می‌پردازند»<sup>۱۷</sup> (عاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۹: ۳۲).

در روایت است که امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرمود: «کشاورزان گنج‌های میان مردم هستند. محصول پاک‌تری را کشت می‌کنند که خداوند آن را از زمین بیرون می‌آورد. در روز قیامت، کشاورزان نیکوترین جایگاه و مقرب‌ترین منزلت را دارند و از آنها با عنوان افرادی با برکت یاد می‌شود»<sup>۱۸</sup> (همان: ۳۴).

همچنین، از ایشان نقل شده که می‌فرماید: «کیمیای اکبر، کشاورزی است»<sup>۱۹</sup> (همان).

از رسول خدا<sup>(ص)</sup> نیز نقل شده که فرمود: «هر کس درختی را بکارد و آن درخت به ثمر نشیند، خداوند به اندازه ثمره آن درخت به او اجر عطا می‌کند»<sup>۲۰</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۴۶۰).

همچنین، از ایشان نقل شده که اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی از نخل بود، اگر می‌توانید آن را بکارید<sup>۲۱</sup> (همان)

آنچه از این روایات فهمیده می‌شود، استحباب یا رجحان کشاورزی و درختکاری است. در حقیقت، شرع بر این عمل و آثار مثبت آن تأکید کرده‌است و نشانه‌اهتمام شارع به آن است.

**طایفه پنجم: روایاتی که به رسیدگی به درختان امر و از بین بردن آنها را نهی می‌کند**

رسول خدا<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «هر کس درختی را آبیاری کند، همانند آن است که مؤمنی را از تشنگی سیراب کرده است»<sup>۲۲</sup> (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۴۲).

نقل شده که وقتی پیامبر<sup>(ص)</sup> گروهی را برای جنگ می‌فرستاد، چنین سفارش می‌کرد: «... نخلی را نسوزانید و در آب غرق نکنید. درخت باروری را قطع نکنید، زراعتی را نسوزانید؛ زیرا نمی‌دانید شاید به آنها نیازمند شدید...»<sup>۲۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۹).

امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرماید: «درختان مثمر را قطع نکنید که خداوند عذابی بر سر شما می‌آورد»<sup>۲۴</sup> (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۳۹).

همچنین، راوی می‌گوید از امام رضا<sup>(ع)</sup> پرسیدم که قطع درخت سدر چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: فردی از من چنین سؤالی کرد. در پاسخ او نوشتم که امام کاظم<sup>(ع)</sup> درخت سدری را قطع کرد و به جای آن درخت انگوری کاشت<sup>۲۵</sup> (ر.ک؛ همان).

همان گونه که در روایات دستۀ پیش نسبت به کاشت درخت و کشاورزی تأکید شده بود، در این روایات، به رسیدگی به آن‌ها امر شده است و از بین بردن آن‌ها مورد نهی شارع قرار گرفته است و از آن، مبعوضیت و مرجوحیت فهمیده می‌شود، حتی در روایت آخر که خبر از قطع درختی به وسیله امام کاظم<sup>(ع)</sup> می‌دهد، بیان می‌کند که ایشان به جای آن، درختی کاشت. این بیان در حالی است که ذکر این امر از سوی امام رضا<sup>(ع)</sup> برای پاسخ به سؤال راوی لازم نبود و می‌تواند به معنای تأکید بر اهمیت درختکاری باشد.

### طایفه ششم: روایاتی که از آلوده کردن طبیعت نهی می‌کنند

رسول خدا<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «سه خصلت است که هر کس آن‌ها را انجام دهد، ملعون است. کسی که محلّ استراحت مسافران را با فضولات آلوده کند، کسی که آب نوبت‌بندی شده را منع کند و کسی که سدّ معبر کند»<sup>۲۶</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۶).

در روایت دیگری از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل شده که از دفع فضولات بر لبه چاهی که از آب آن برای نوشیدن کشیده می‌شود و کناره رودخانه‌ای که از آب آن برای نوشیدن استفاده می‌شود، نهی کردند<sup>۲۷</sup> (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۲۵).

امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرماید: «فردی به زین العابدین<sup>(ع)</sup> عرض کرد: افراد غریب و مسافران در کجا بول و غائط کنند؟ حضرت فرمود: باید از دفع فضولات در کناره رودخانه‌ها، جاده‌ها، زیر درختان میوه و مواضع لعن پرهیز کرد. از ایشان پرسیده شد که مواضع لعن کجاست؟ فرمود: درب خانه‌ها»<sup>۲۸</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۵).

در روایتی هم آمده است که ابوحنیفه از امام کاظم<sup>(ع)</sup> سؤال می‌کند که افراد غریبه در شهر شما کجا به قضای حاجت می‌پردازند؟ حضرت می‌فرماید: از آستانه مساجد، کناره رودخانه‌ها، محل افتادن میوه درختان و محلّ استراحت مسافران پرهیز کن!...»<sup>۲۹</sup> (همان: ۱۶).

شاید از این روایات چنین برداشت شود که نهی از آلوده کردن برخی مواضع به سبب ایجاد مزاحمت برای استفاده دیگران است. اطلاق برخی از این روایات مانند دو روایت آخر،

این احتمال را نفی می‌کند و در صورتی که این اطلاق را بر تقیید مذکور در دو روایت اول حمل کنیم، باید از ملاک این روایات که نهی از ایجاد مزاحمت برای دیگران است، استفاده کرد و مواردی را که آلوده کردن طبیعت موجب ایجاد مزاحمت برای نسل‌های آتی می‌شود، با همان ملاک مورد نهی دانست.

طایفه هفتم: روایاتی که انفال را متعلق به معصوم<sup>(ع)</sup> می‌دانند

امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

«فیء و انفال آن سرزمین‌هایی است که برای فتح آن خونی ریخته نشده‌است و یا صاحبانشان این زمین‌ها را با مصالحه داده‌اند و زمین‌های موات و دامنه کوه‌ها، همه این‌ها از اموال فیء است که از آن خدا و رسول است. هرچه برای خداست، برای رسول اوست و به گونه‌ای که صلاح بداند، صرف می‌کند و بعد از پیامبر<sup>(ص)</sup>، برای امام<sup>(ع)</sup> است»<sup>۳۰</sup> (عاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۹: ۵۲۷).

امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرماید:

«انفال آن سرزمین‌هایی است که برای فتح آن اسبی و شتری نتاخته‌اند و زمین‌هایی که صاحبانشان روی آن زمین‌ها مصالحه کرده‌اند و یا با دست خود آن را بخشیده‌اند و زمین‌های موات و دامنه کوه‌ها نیز جزء انفال است که از آن رسول خدا<sup>(ص)</sup> می‌باشد و پس از او، برای امام<sup>(ع)</sup> است و به گونه‌ای که صلاح می‌داند، آن‌ها را تخصیص می‌دهد»<sup>۳۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۵۳۹).

بلکه فراتر از انفال، در روایتی، امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

«در کتاب علی<sup>(ع)</sup> چنین نوشته شده که زمین از آن خداست. آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، می‌دهد و عاقبت از آن پرهیزکاران است... همه زمین از آن ما (اهل بیت) است. هر کس از مسلمین زمینی را احیاء کند، باید آن را آباد کند و خراجش را به امام بدهد و حق دارد که از منافع استفاده کند و اگر آن را رها کند یا به

سبب رسیدگی نکردن بایر شود و فرد دیگری آن را احیاء نماید، فرد دوم نسبت به آن زمین اولویت دارد...»<sup>۳۲</sup> (همان، ج ۱: ۴۰۷).

مطابق این روایات، کلّ زمین و یا دست کم انفال متعلّق به معصوم<sup>(ع)</sup> است که معصومین<sup>(ع)</sup> اجازه تصرف در این اراضی را به ما داده‌اند، اما باید دقت داشت که اذن معصومین<sup>(ع)</sup> محدود به تصرفاتی است که منجر به اتلاف انفال نشود؛ به عبارت دیگر، ما مالک انفال نیستیم، بلکه انفال به عنوان امانتی در دست ماست که فقط اجازه تصرف در آن‌ها را داریم، نه از بین بردن و اتلاف آن‌ها.

طایفه هشتم: روایاتی که اراضی مفتوح العنوة را ملک همه مسلمین می‌دانند

از امام صادق<sup>(ع)</sup> در باب اراضی عراق<sup>۳۳</sup> سؤال شد. آن حضرت فرمود: این زمین‌ها از آن همه مسلمین است که شامل مسلمانانی می‌شود که امروز هستند، کسانی که در آینده مسلمان می‌شوند و یا حتی کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند!...<sup>۳۴</sup> (ر.ک؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۳۶۹).

در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: «چیزی از زمین‌های عراق را نخور...؛ زیرا این زمین‌ها فیء مسلمین است»<sup>۳۵</sup> (همان).

این روایات بیانگر مشترک بودن اراضی مفتوح العنوة میان همه مسلمین است و همان طور که در روایت اول آمده، مفاد این حکم همان قضیه حقیقه است که حضرت به آن اشاره می‌کنند.

طایفه نهم: روایاتی که می‌گویند دولت‌ها وظیفه دارند به آبادانی و عمران  
بپردازند

امام علی<sup>(ع)</sup> در نامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید:

«باید توجه تو به عمران و آبادانی بیش از توجهت به جمع‌آوری مالیات و خراج باشد؛ زیرا جمع‌آوری خراج جز با عمران و آباد کردن شهرها قابل تحقق نیست و هر حکومتی که

بخواهد بدون ایجاد آبادانی، مالیات جمع کند، شهرها را ویران و مردم را نابود کرده است»<sup>۳۶</sup> (نهج البلاغه / ۴۳۶).

مطابق این روایت شریفه، وظیفه حکومت‌ها آباد نگه داشتن محیط زیست و تحویل آن به نسل‌های بعدی است، و گرنه محیط زیست ویران می‌شود و نسل‌های بعدی نیز به نابودی کشیده می‌شوند.

### نوشتار سوم: از منظر عقل

اکثر اصولیون مستقلات عقلیه را حجّت می‌دانند و به وسیله آن حکم شرعی را از طریق قاعده ملازمه استنباط می‌کنند. ما حکم عقلی را در این موضوع در سه مبحث پی می‌گیریم.

#### مبحث اول: حرمت ظلم

یکی از بارزترین مصادیق حُسن و قبح عقلی، قبح یا حرمت ظلم است. گفته می‌شود سایر مسائل حُسن و قبح عقلی نیز به مسئله قبح ظلم و حُسن عدل برمی‌گردد (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۱۹). با این وصف، کبرای قضیه مسلم است، اما صغرای آن نیز امری قابل پذیرش است؛ زیرا سلب ضروریات زندگی از نسل‌های آینده، از مصادیق بارز ظلم است، بلکه سلب یک زندگی همراه با رفاه و آسایش نیز بدون دلیل و مجوز شرعی و قانونی، از مصادیق ظلم به حساب می‌آید.

لازم به ذکر است که یکی از ادله فقها در بحث حرمت سقط جنین، این است که این عمل از مصادیق ظلم به شمار می‌آید. بنابراین، عقل به طور مستقل به حرمت آن فتوا می‌دهد. در آنجا گفته می‌شود که ظلم در سقط جنین فاحش‌تر و حرمت آن بیشتر است؛ زیرا نسبت به کسی اعمال می‌شود که امکان دفاع از خود را ندارد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۶). ما نیز در اینجا همین استدلال را بیان می‌کنیم و می‌گوییم ظلمی که انسان امروز در حق نسل‌های آتی می‌کند و ایشان را از محیط زیست سالم محروم می‌کند، از فاحش‌ترین اقسام ظلم است؛ زیرا اگرچه ظلم نسبت به معاصران نیز امری قبیح و ناپسند است، ولی با توجه به



اینکه در اینجا نسل‌های آینده وجود ندارند که به احقاق حقّ خود پردازند، ظلم در حقّ ایشان به مراتب قبیح‌تر است.

### مبحث دوم: حرمت اضرار به غیر

یکی دیگر از مصادیق حُسن و قبح، حرمت اضرار به غیر است. درباره حرمت اضرار به نفس، به دلیل عقلی استدلال شده است (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲: ۱۹۸). بنابراین، در باب حرمت اضرار به غیر به طریق اولی می‌توان به دلیل عقلی استناد کرد. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که «اضرار به غیر» هم می‌تواند عنوان مستقلی باشد و هم به عنوان یکی از مصادیق ظلم مورد تقبیح عقل قرار بگیرد و به هر حال، قبح آن، قطعی است.

صغرای استدلال نیز بدیهی است. استفاده غیر صحیح ما از محیط زیست موجب اضرار نسل‌های بعدی خواهد شد. اگر برنامه‌ریزی ما به گونه‌ای نباشد که منفعتی برای نسل‌های آینده به دنبال داشته باشد، دست کم نباید موجب متضرر شدن آن‌ها نیز بشود و اثبات این مطلب نیاز به دلیل و برهان ندارد.

### مبحث سوم: وجوب حفظ امانت

در مستقلات عقلیه، دو قاعده «وجوب ردّ امانت» از مصادیق محسّنات عقلیه و «حرمت خیانت در امانت» از موارد مقبّحات عقلیه هستند که مورد اتفاق همه عقلاست و حتی منکران شرایع آسمانی نیز به این موارد اذعان دارند (ر.ک؛ حلی، ۱۴۱۳ق.، ۳۰۳).

درباره استفاده از محیط زیست می‌توان این گونه استدلال کرد که طبیعت، امانتی است از طرف خدا در دست انسان که حق بهره‌وری از آن را دارد. بنابراین، نمی‌تواند جز در مسیری که مورد رضای خداست، از آن استفاده نماید (ر.ک؛ جوادی آملی، بی‌تا، ب: ۲۳۳-۲۳۴).

اگرچه ما برای حلّ و فصل مسائل اجتماعی، مالکیت افراد را می‌پذیریم، اما باید دانست که هیچ کس در برابر خداوند، نه تکویناً مالک چیزی است و نه تشریحاً (ر.ک؛ همان: ۲۳۴).

بنابراین، هر نسلی فقط می‌تواند از این امانت استفاده کند، ولی حقّ از بین بردن و تخریب محیط زیست را ندارد.

### نتیجه‌گیری

آنچه از مجموع آیات و روایات و دلیل عقلی می‌توان استنباط کرد، این است که محیط زیست از آن همه بشر در تمام زمان‌هاست. بنابراین، حقّ آحاد بشر نسبت به آن، یکسان است و به مقتضای تعریف عدالت که مقصود از آن، «اعطای حق به ذوی الحقوق» است، کسی نمی‌تواند به حقوق نسل‌های بعدی نسبت به محیط زیست تجاوز و تعدی نماید. بنابراین، میزان تصرفات ما در محیط زیست اطراف باید به گونه‌ای باشد که با حقّ نسل‌های بعدی نسبت به آن منافات نداشته باشد. از این رو، می‌توان تصرفات تخریب‌کننده محیط زیست را از منظر شرعی، حرام و ممنوع دانست؛ زیرا تعدی به حقوق نسل‌های آتی محسوب می‌شود.

در پایان، کلامی را از شهید صدر به عنوان حسن ختام نقل می‌کنیم. ایشان می‌گویند:

«زمین از هنگامی که به صورت هدیه‌ای از طرف خداوند به دست انسان‌ها سپرده شد، ملک و یا حقّ هیچ فردی از افراد نیست، بلکه ملک، منصب امامت است و نه حتی ملک شخص امام! این ملکیت - مطابق نظر اسلام - از بین نمی‌رود و با زور و سلطه و یا حتی احیاء نیز به ملکیت کسی در نمی‌آید، بلکه احیای سبب ایجاد حقّی برای فرد نسبت به زمین می‌شود... از آنجا که در نظر اسلام، کار کردن مبنای حق است، این حق به وجود می‌آید، ولی اگر فرد در ادامه از آباد کردن خودداری کند، این رابطه نیز از بین می‌رود» (صدر، ۱۴۱۷ق: ۴۶۵).

### پی‌نوشت‌ها:

۱- آیات بسیاری این مضمون را دارند؛ مانند: ابراهیم/۳۳؛ النحل/۱۲؛ الحج/۶۵؛ لقمان/۲۰؛ الجاثیة/۱۳ و... البته در برخی از این آیات، تعبیر «سَخَّرَ» به کار رفته که به معنای «رام کردن» و «تحت اختیار قرار دادن» است.

۲- البته در برخی از آیات دیگر، مانند آیه ۱۳ سوره الجاثیه، تعبیر «ما فی السَّمَاوَاتِ وَ ما فی الْأَرْضِ» را به کار برده که عمومیت آن واضح تر است.

۳- مانند: طه/۵۳ و الزخرف/۱۰.

۴- مانند: النبأ/۶.

۵- مانند: نوح/۱۹.

۶- مانند: الرعد/۳؛ الحجر/۱۹؛ النحل/۱۵؛ النمل/۶۱؛ لقمان/۱۰؛ الذاریات/۴۸ و ...

۷- مقصود، فرد منافق است. این آیه به این صورت نیز ترجمه شده که فرد منافق وقتی برمی گردد... ولی معنای مذکور مناسب تر به نظر می رسد.

۸- «مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) یَقُولُ طَبَائِعُ الْجِسْمِ عَلَی أَرْبَعَةٍ فَمِنْهَا الْهَوَاءُ الَّذِی لَا تَحْیَا النَّفْسُ إِلَّا بِهِ وَ بِنَسِیمِهِ وَ یُخْرِجُ مَا فِی الْجِسْمِ مِنْ دَاءٍ وَ غُفُونَةٍ...» سند این روایت، صحیح است.

۹- «عن الصادق (ع): ... لَا تَطِيبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثِ الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْغَزِيرِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ...».

۱۰- «عن الصادق (ع): ... وَ فِی نُزُولِهِ أَيْضاً مَصَالِحٌ أُخْرَى فَإِنَّهُ یُلَیِّنُ الْأَبْدَانَ وَ یَجْلُو كَدَرَ الْهَوَاءِ فِیْرْتَفِعُ الْوَبَاءُ الْحَادِثُ مِنْ ذَلِكَ...».

۱۱- «عن الصادق (ع): ... أَنْ الصَّحْوَ إِذَا دَامَ جَفَّتِ الْأَرْضُ وَ احْتَرَقَ النَّبَاتُ وَ غِیضَ مَاءُ الْعُیُونِ وَ الْأَوْدِیَةِ فَأَضْرَّ ذَلِكَ بِالنَّاسِ وَ غَلَبَ الْبُیْسُ عَلَی الْهَوَاءِ فَأَخْذَتْ ضَرْوياً أُخْرَى مِنْ الْأَمْرَاضِ...».

۱۲- «عن الصادق (ع): ... وَ هَكَذَا الْهَوَاءُ لَوْ لَا كَثُرَتْهُ وَ سَعَتْهُ لَأَخْتَنَقَ هَذَا الْأَنَامُ مِنَ الدُّخَانِ وَ الْبُخَارِ الَّتِی یَتَحَرَّرُ فِیهِ...».

۱۳- «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَاءِ الْوَادِی فَقَالَ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ شُرَكَاءُ فِی الْمَاءِ وَ النَّارِ وَ الْكَلْبِ». سند این روایت، صحیح است.

۱۴- «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ نَهَى عَنْ بَيْعِ الْمَاءِ وَ الْكَلْبِ وَ النَّارِ».

۱۵- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَيْنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فِي مَشَارِبِ النَّخْلِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ نَفْعُ الشَّيْءِ وَ قَضَى بَيْنَ أَهْلِ الْبَادِيَةِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ فَضْلُ مَاءٍ لِيُمْنَعَ فَضْلُ كُلِّهِ وَقَالَ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ». سند این روایت، موثق است.

۱۶- «رَوَى عُقْبَةُ بْنُ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي رَجُلٍ أَتَى جَبَلًا فَشَقَّ مِنْهُ قَنَاةً جَرَى مَائُهَا سَنَةً ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا أَتَى ذَلِكَ الْجَبَلَ فَشَقَّ مِنْهُ قَنَاةً أُخْرَى فَذَهَبَتْ قَنَاةُ الْأَخْرِ بِمَاءِ قَنَاةِ الْأَوَّلِ قَالَ يُقَايَسَانِ بِحَقَائِبِ الْبُئْرِ لَيْلَةً لَيْلَةً فَيَنْظُرُ أَيُّنَهَا أَضْرَتْ بِصَاحِبَتَيْهَا فَإِنْ كَانَتْ الْأَخِيرَةُ أَضْرَتْ بِالْأُولَى فَلْيَتَعَوَّرْ وَ قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِذَلِكَ وَقَالَ إِنْ كَانَتْ الْأُولَى أَخَذَتْ مَاءَ الْأَخِيرَةِ لَمْ يَكُنْ لِصَاحِبِ الْأَخِيرَةِ عَلَى الْأُولَى سَبِيلٌ». سند این روایت، صحیح است.

۱۷- «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَيَّابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَسْمِعُ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّ الزَّرَاعَةَ مَكْرُوهَةٌ فَقَالَ لَهُ ازْرَعُوا وَ اغْرَسُوا فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ وَاللَّهِ لَيَزْرَعَنَّ الزَّرْعَ وَ لَيَغْرِسَنَّ الْغَرْسَ بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ». سند این روایت، صحیح است.

۱۸- «عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَارُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ الزَّرَاعُونَ كُنُوزُ الْأَنَامِ يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا وَ أَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ».

۱۹- «رَوَى أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْكِيمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ».

۲۰- «عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ غَرَسَ غَرْسًا فَأَتَمَرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنْ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ».

۲۱- «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةُ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا».

۲۲- «الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) فِي حَدِيثٍ قَالَ: مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ طَمِيمٍ».

۲۳- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ <sup>(ص)</sup> كَانَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ عَلَى سَرِيَّةٍ... ثُمَّ يَقُولُ لَأُحْرِقُوا النَّخْلَ وَ لَأُتَغْرِفُوهُ بِالْمَاءِ وَ لَأَتَقَطُّعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَ لَأُحْرِقُوا زَرْعًا لِأَنَّكُمْ لَأَتَذَرُونَ لَعَلَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ...». سند این روایت، موثق است.

۲۴- «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ ابْنِ مُضَارِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> قَالَ: لَأَتَقَطُّعُوا الثَّمَارَ فَيُصَبُّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا». سند این روایت، صحیح است.

۲۵- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ <sup>(ع)</sup> عَنْ قَطْعِ السِّدْرِ فَقَالَ سَأَلَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِكِ عَنْهُ فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ قَدْ قَطَعَ أَبُو الْحَسَنِ <sup>(ع)</sup> سِدْرًا وَ غَرَسَ مَكَانَهُ عِنْبًا». سند این روایت، صحیح است.

۲۶- «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكُرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> ثَلَاثُ خِصَالٍ مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ الْمُتَعَوِّطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ وَ الْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُتَنَابِ وَ سَادُّ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ». سند این روایت، صحیح است.

۲۷- «بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ <sup>(ع)</sup> قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ <sup>(ص)</sup> أَنْ يَتَعَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ بئرٍ مَاءٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهَا أَوْ نَهْرٍ يُسْتَعْدَبُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ فِيهَا ثَمَرَتُهَا». سند این روایت، موثق است.

۲۸- «أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ <sup>(ع)</sup> أَيْنَ يَتَوَضَّأُ الْغُرَبَاءُ قَالَ يَتَّقِي شَطُوطَ الْأَنْهَارِ وَ الطَّرِيقَ النَّافِذَةَ وَ تَحْتَ الْأَشْجَارِ الْمُثْمِرَةِ وَ مَوَاضِعَ اللَّغْنِ فَقِيلَ لَهُ وَ أَيْنَ مَوَاضِعَ اللَّغْنِ قَالَ أَبْوَابُ الدُّوْرِ». سند این روایت، صحیح است.

۲۹- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَفَعَهُ قَالَ: خَرَجَ أَبُو حَنِيفَةَ مِنْ عِنْدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> وَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى <sup>(ع)</sup> قَائِمًا وَ هُوَ عَلَامٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ يَا عَلَامُ أَيْنَ يَضَعُ الْغَرِيبُ بِلَدِّكُمْ فَقَالَ اجْتَنِبْ أَفْنِيَةَ الْمَسَاجِدِ وَ شَطُوطَ الْأَنْهَارِ وَ مَسَاقِطَ الثَّمَارِ وَ مَنَازِلَ النَّزَالِ...». سند این روایت، صحیح است.

۳۰- «عَنْهُ عَنْ سِنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَاءِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ <sup>(ع)</sup> قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْقَيْءُ وَ الْأَنْفَالُ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةُ الدَّمَاءِ وَ قَوْمٌ صَوْلِحُوا وَ أُعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ

خَرِبَةٌ أَوْ بَطُونٌ أَوْ دِيَّةٌ فَهُوَ كُلُّهُ مِنَ الْفَيْءِ فَهَذَا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِرَسُولِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ شَاءَ وَهُوَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ الرَّسُولِ...». سند این روایت، موثق است.

۳۱- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ الْأَنْفَالُ مَا لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ أَوْ قَوْمٌ صَالِحُوا أَوْ قَوْمٌ أَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَكُلُّ أَرْضٍ خَرِبَةٍ وَبَطُونٌ أَوْ دِيَّةٌ فَهُوَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَهُوَ لِلْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ».

۳۲- «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ (ع) - إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ - ... الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا فَمَنْ أَحْيَا أَرْضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلْيَعْمُرْهَا وَ لِيُؤَدِّ خَرَجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ لَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا فَإِنْ تَرَكَهَا أَوْ أَخْرَبَهَا وَ أَخَذَهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِهِ فَعَمَرَهَا وَ أَحْيَاهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الَّذِي تَرَكَهَا...».

۳۳- نظر مشهور، این است که اراضی عراق، مفتوح العنوة است؛ یعنی از طریق جنگ نصیب مسلمانان شده است.

۳۴- «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ السَّوَادِ مَا مَنَزَلَتْهُ فَقَالَ هُوَ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ لِمَنْ هُوَ الْيَوْمَ وَ لِمَنْ يَدْخُلُ فِي الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْيَوْمِ وَ لِمَنْ لَمْ يُخْلَقْ بَعْدُ...». سند این روایت، صحیح است.

۳۵- «عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَنَا تَشْتَرِ مِنْ أَرْضِ السَّوَادِ شَيْئًا إِلَّا مَنْ كَانَتْ لَهُ ذِمَّةٌ فَإِنَّمَا هُوَ فِئَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ». سند این روایت، صحیح است.

۳۶- «عَنْ عَلِيٍّ (ع): ... وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بغيرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ...».

## منابع و مآخذ

### قرآن کریم.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمدبن علی. (۱۴۱۳ق.). *فقیه من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق.). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *مفردات الفاظ القرآن*. لبنان - سوریه: دارالعلم - الدار الشامیه.
- اصفهانی، محمد حسین. (۱۳۷۴ق.). *نهاية الدراية*. قم: سيد الشهداء (ع).
- جوادى آملی، عبد... (بی تا). الف. *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). ب. *فلسفه حقوق بشر*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق.). *کشف المراد*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۵ق.). *الرسائل الأربع*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۷ق.). *اقتصادنا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
- فاضل، مقداد. (۱۴۲۵ق.). *کنز العرفان*. قم: انتشارات مرتضوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مغربی، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق.). *دعائم الإسلام*. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲ق.). *بحوث فقهیه هامه*. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع).
- نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۶). *فوائد الأصول*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نوری، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ق.). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
- نهج البلاغه*. (۱۴۱۴ق.). قم: مؤسسه نهج البلاغه.

